

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هشتم، سال اول، شماره ۲۵
پنجشنبه ۱۱ بهمن ۱۳۶۳
بها ۲۰ ریال

اعلامیه مشترک کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی حزب کمونیست پاکستان

ضد ملی رژیم نظامی ضیاء الحق را که کلیه احزاب ملی و مترقی و سازمانهای اجتماعی را از استفاده از حقوق دمکراتیک محروم ساخته مطرح کرد.

رژیم نظامی ضیاء الحق به زور سرنیزه بر کشور حکومت می کند و فراندوم نایبی اخیر نشانگر آن است که این رژیم دست نشانده امپریالیسم امریکا فاقد پایگاه اجتماعی در کشور است.

هیئت های نمایندگی حزب توده ایران و حزب کمونیست پاکستان در این گردهمایی که در محیط رفیقانه و تفاهم و همبستگی کامل انجام گرفت به نتایج زیرین رسیدند:

بقیه در صفحه ۶

در اواخر ژانویه ۱۹۸۵ هیئت های نمایندگی حزب توده ایران و حزب کمونیست پاکستان گرد هم آمدند. در این گردهمایی، هیئت نمایندگی حزب توده ایران، بحران اجتماعی- اقتصادی و سیاسی کشور را که محصول خیانت ارتجاع حاکم به آماجهای مردمی انقلاب بهمن ۵۷ است و نیز تجاوز ارگان های سرکوبگر جمهوری اسلامی ایران را به حقوق و آزادیهای دمکراتیک، سرکوب دگراندیشان، یورش سبانه به حزب توده ایران، اعدام، قتل و شکنجه هزاران توده ای در بند و دیگر نیروهای مترقی و دمکرات را برای نمایندگان حزب برادر تشریح کرد. هیئت نمایندگی حزب کمونیست پاکستان، سیاست

به جنگ امپریالیسم برافروخته باید پایان داد!

جبهه های جنگ ایران و عراق دگر باره فعال شده اند. در پیامد بمباران و آتشباری توپخانه دوربرد طرفین، تنها در کشور مادر شهرها و روستاهای خوزستان ده ها تن از هم میهنان جنگ زده بـهـ خـاک و خون کشیده شدند یا زیر آوار سرپناه خود جان باختند و صدها تن مجروح شدند. در همان حال دوباره نفتکش هادر خلیج فارس مورد حمله قرار گرفتند و بطور کلی رخامت اوضاع در جبهه های جنگ و منطقه بیش از پیش تشدید گردید.

هم اکنون در کشور ما جذب و جوش تازه ای در زمینه بسیج و اعزام نیروهای تازه نفس برای شعله ور کردن هر بیشتر آتش جنگ آغاز شده است. آقای خمینی فتوای "جنگ جنگ تا رفع فتنه از عالم" را صادر کرد تادر "رحمت" راه روی مردم ایران بکشاید. به دنبال آن رئیس جمهور از وارد آوردن "آخرین ضربت" و وزیر سپاه بازاز "یکسره کردن تکلیف جنگ" و اقدامات تلافی جویانه سخن گفت و آقای رفسنجانی نیز بنوبه خود تصریح کرد که نمی خواهیم "جنگ راکد بماند و جبهه ها سرد و خاموش شود". بدینسان سران جمهوری اسلامی برای پیشبرد نقشه های تجاوزکارانه و توسعه طلبانه خود بقیمت خسارات جبران ناپذیر جانی و مالی مردم رنج دیده ایران به این جنگ خانمانسوز و امپریالیسم و ارتجاع برافروخته ادامه میدهند.

تردیدی نیست در حال حاضر که سران ج.ا.دیکر نمی توانند موج اوج گیرنده صلح خواهی توده ای و زمزمه های نهان و آشکار ناراضی نسبت به ادامه بقیه در صفحه ۶

دکترتقی ادانی:

فرزانه انقلابی و چهره تابناک
جنبش کارگری و کمونیستی ایران

صفحه ۲

چه کسانی بر ایران اسلامی حکومت می کنند

حضرت امام نشست و از ایشان سؤال کرد که حضرت امام، در مسائل اقتصادی چه بکنیم؟ و سریعاً "رهنمود امام امت و فقیه عالیقدر حضرت آیت الله العظمی منتظری را در مورد مسائل اقتصادی پیاده کرد و هرگز نباید ترسید که آینده این کار چه می شود... اگر امروز امام فتوا داد که همه بازرگانی باید دولتی باشد ما پرچم را بلند می کنیم و می گوئیم دولتی خوبست، چون فقه می گوید و اگر فردا گفتند همه بازرگانی را به بخش خصوصی بدهید، باز ما پرچم را برمی داریم و می گوئیم این خوب است، خودمان در مورد مسائلی که ریشه فقهی دارد حق نداریم که اظهار نظر کنیم و همه آنها را که منهای مراجعه به فقه اظهار نظر می کنند، آنها را در راه صواب نمی بینیم."

مطالب بسیار چالپی است. نشان می دهد که در رژیم "عدل اسلامی"، رژیمی که اعلامیه جهانی حقوق بشر را رسماً رد می کند، انسان به چه درجه از انحطاط سقوط کرده است. فردی که مطالب فوق را اظهار می کند، یک فرد عادی نیست، او وزیر است و سرنوشته صدها هزار انسان ساده و خوشبخت که نام پاسدار انقلاب اسلامی بخود داده اند، در دست او و گروهی از قماش اوست. این آقایان رهبران، زبردستان خود را با همان روحیه ای می پرورند، که خود دارند. یعنی سلب مطلق، تفکر و اعتقاد از خود. یعنی تبدیل شدن به بقیه در صفحه ۲

روزنامه جمهوری اسلامی، که صاحب امتیاز آن رئیس جمهوری است، در یکی از شماره های اخیر خود مصاحبه ای با وزیر سپاه پاسداران بعمل آورده است که مطالب چالپی دارد. البته قصد ما تحلیل اظهارات این وزیر با تدبیر، که از رجال رژیم ولایت فقیه است، نیست. ما فقط به اظهار نظر این آقای وزیر، در مورد مسائل اقتصادی توجه می کنیم. از او درباره موضوع اقتصادش سؤال می شود او چنین پاسخ می دهد: "... من پارها گفته ام که اگر ما در جنگ، سیاست خارجی و هر بعد دیگری موفق هستیم، به خاطر اطاعت و پیروی کردن بی چون و چرا از امام امت است. اصولاً من با این مطلب موافق نیستم که بنده مجری بی اطلاع از مبانی اقتصادی اسلامی در این مورد نظر بدهم. ما تنها یک نظر می دهیم و آن اینست که می گوئیم آنچه را که امام بعنوان خط مشی اقتصادی مطرح می کنند، آن باید اجراء شود... هرگاه دست اندرکاران و صاحب نظران اقتصادی قبول کردند که... فقه تحریر الوسیله امام خمینی را قبول کردند و معتقد شدند که این فقه می تواند اقتصاد کشور را مثل جنگ، مثل آموزش و پرورش، سیاست، اخلاقیات و بقیه چیزها اداره کند و آن را پیاده کردند، اقتصاد ما که در حال حاضر پکوری چشم دشمنان داخلی و خارجی در حال این جنگ عظیم روی پای خودش ایستاده، مشکلات معدود باقی مانده نیز مرتفع خواهد شد. یعنی باید رفت و دو زانو در مقابل

جنبش ۲ بهمن کردستان

سی و نه سال پیش صفحه جدیدی در تاریخ جنبش رهایی بخش خلق کرد گشوده شد. پایان دیکتاتوری رضاخان آغاز تحولی ژرف در جامعه گردید. فضای باز سیاسی که در این رهگذر بوجود آمد موجب شد تا سازمان های سیاسی ملی و دمکراتیک پا بگیرند و افکار آزادیخواهان و حق طلبانه در سراسر کشور بسط و گسترش یابد.

روز ۲ بهمن ۱۳۲۴ در شهر مهاباد در یک میتینگ ۲۰

وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی، وظیفه عاجل
نیروهای دمکراتیک و مترقی است!

جنبش ۲ بهمن کردستان

بقیه از صفحه ۱

- برخلاف کلیه نهضت های سابق کردستان ایران نهضت ۲ بهمن تحت رهبری و سازمان دهی یک حزب انقلابی دمکراتیک، یعنی حزب دمکرات کردستان بوجود آمد و پیروز شد.

- این نهضت نمایندگان خلق را در صف مقدم مبارزه وارد کرد و مسئله ملی خلق کرد را مانند جزئی از نهضت انقلابی و دمکراسی سرتاسر ایران و تابعی از این نهضت مطرح و در محدوده منافع عمده این نهضت حل کرد.

حکومت خودمختار کردستان در فاصله زمانی کوتاه، یعنی طی یازده ماه موجودیت خود گام های بلند و محسوسی در راه بهبود وضع مادی، معنوی و فرهنگی خلق کرد برداشت.

نهضت کردستان و آذربایجان راه را برای تعمیم دمکراسی در سراسر ایران بازمی کردند. لیکن امپریالیسم که چنین واقعه ای را مسأوی با از دست دادن سرتاسر خاورمیانه و نزدیک می شمرد، باردیگر دست به کار شد. ارتجاع داخلی و عمال امپریالیسم از برجسب تجزیه طلبی به منظور فراهم آوردن شرایط سرکوب جنبش خلق کرد، بهره گرفتند. صدها نفر از انقلابیون کرد بدست اوپاشان شاه به قتل رسیدند و با اعدام فرزند رشید خلق کرد قاضی محمد و یارانش باردیگر کردستان را به گورستان میدل ساختند.

ولی مردم کردستان حتی در شرایط ترور و اختناق رژیم شاه پرچم مبارزه را بر زمین نگذاشتند و نقش بسزایی در نهضت انقلابی و پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ ایفا کردند. خلق کرد به حق امیدوار بود که حاکمیت جدید بابه رسمیت شناختن حق خودمختاری در چارچوب ایران واحد، به آرزوی دیرین او جامعه عمل ببوشاند. ولی سران ج.ا. علیرغم وعده هایی که داده بودند، جنگ برادرکشی را در کردستان دامن زدند. آنها بجای رفع تبعیض که وعده می دادند با اعلام "جهاد اکبر" مرگ و ویرانی و دریدری برای خلق کرد به ارمغان آوردند و جنگ ناخواسته را به این مردم ستم دیده تحمیل کردند.

اعلامیه ۲۶ آبان ۱۳۵۸ رژیم ج.ا. که در آن بنام "اسلام بزرگ" متعهد شدند خواسته های برحق و عادلانه مردم مقاوم کردستان را برآورده سازند، سند محکومیت روحانیون حاکم است. در این پیام گفته می شد: "اسلام بزرگ همه تبعیض ها را محکوم نموده و برای هیچ گروهی و ویژگی خاصی قرار نداده و در پناه اسلام و جمهوری اسلامی حق اداره امور داخلی و محلی و رفع هرگونه تبعیض فرهنگی و اقتصادی و سیاسی که متعلق به تمام قشرهای ملت است منجمله برادران کرد ج.ا. موظف و متعهد به تامین آن در اسرع وقت می باشد و مقررات و قوانین مربوط به آن بزودی انشاء الله تعالی تقدیم می شود."

"متعهدان به اسلام بزرگ" بسان همه سیاست بازان فریبکار نیروهای سرکوبگر خود را به کردستان گسیل داشتند و هزاران کودک و زن و پیر

شاعر

وقتی که چتر ترس گشوده ست روی شهر
و دلهره ست آنکه بدر می زند مدام
نازکتر اش خورده ترین طبع آدمی
شاعر،
آئینه وجود، چه تصویر افکند؟

از خیل زندگان
وقتی گرسنگی است که فریاد می کشد:
مادر امن نان می خواهم
شاعر، گرسنه روح ترین گرسنگان
در کوچه های فقر چه بانگی بر آورد؟

وقتی که بوسه مزه باروت می دهد
و جنگ، جنگ، جنگ
سیراب می کند مزارع بی مهابت را
از جویبار خون،
شاعر که جنگجوی ترین فرد آدمی است
چه جنگی بپا کند؟

وقتی که دست خسته آزادی
روز نجات را
خطمی کشد همواره بیدیوار حبس خویش
شاعر

آزادتر خلائق
باید چه حک کند
بر گرده زمان؟
ای دوست داشتن!
پنهان ترین بهار
آتش بکش زبانه بکش گل کن عاقبت
باشد بیوی تو
باردگر صبورترین مرغ این جهان
آواز بر کند!

سیاوش کسراسی

و جوان را به هلاکت رسانده و دهها شهر و روستا را با خاک یکسان ساختند. سران خیانت پیشه ج.ا. نیز همچون اسلاف تبهکار خود از تاریخ پند نگرفتند و درک نکردند که مردمی را که بخاطر حقوق انسانی خود می رزمند نمی توان با قتل و کشتار مرعوب ساخت. خلق کرد تحت رهبری حزب دمکرات کردستان به مبارزه در راه احقاق حقوق خود ادامه می دهد. مردم کردستان اندرز گرانبهای تاریخ را نیک آموخته اند که حق گرفتنی است، نه دادنی و آنها هیچگاه به وعده های حکام ارتجاعی در هر لباسی، باور نخواهند کرد.

ما در این روزهای تاریخی، ضمن گرامیداشت خاطره شهدای راه آزادی و عدالت اجتماعی کردستان به همه رزمندگان راستین خلق کرد، درود می فرستیم ●

چه کسانی برای ایران اسلامی حکومت می کنند

بقیه از صفحه ۱

آلات بی اراده و بی مغز. همین ها هستند که در اجرای فرامین غیرمعتقول و هلاکتبار صادره از "پالا" پنجال است که در جبهه یک جنگ بی فرجام، خون صدها هزار نفر را پخاک ریخته اند و خون صدها هزار نفرشان پخاک ریخته است. همین ها هستند که له له زنان پادهان کف کرده عریده می کشند: "جنگ، جنگ، تاپیروزی"، و یک لحظه فکرش را نمی کشند که چرا می جنگند، بخاطر که می جنگند، چه هدفی دارند... اینها به آنها مربوط نیست. همانطور که اراده اقتصاد کشور به آنها مربوط نیست. تفکر در این مسائل و اصولا همه مسائل از حیثه صلاحیت آنها خارج است، همه مربوط به فقه اسلامی است و فقه اسلامی ملک طلق تنی چند از فقهاست که ماموریت دارند، خون چهل میلیون انسان را در شیشه کنند و داروندار او را برپا دهند.

وزیری که ترهات بالا را بیان می کند، تنها نیست، او نمونه ایست از وزراء، وکلا، سفرا، قضات و رجال سیاسی جمهوری اسلامی ایران. این همان حکومتی است که سفیرش در سازمان ملل متحد می گوید: "نظام سیاسی جدیدمانه دمکراسی است، نه سوسیالیسم، نه تئوکراسی یا خودمختاری... بلکه نظام سیاسی ویژه ایست که برای ما کاملا شناخته شده است و احتمالا برای ادبیات سیاسی شرق و غرب هم ناشناس است. ما نام این رژیم را "مونوکراسی" (!!) یا حکومت خدای یگانه می نامیم...!!"

وقتی انسان این اراجیف را می خواند، واقعا دچار تعجب می شود. در حقیقت وزیر و سفیر هر دو یک حرف را می زنند، با این تفاوت که وزیر آدم ساده ایست که مشت خود را صاف و بی ریا باز می کند، ولی سفیر که رند طرازیست سعی می کند با پناه بردن به اصطلاحات و کلماتی که معنی آنها را نمی دانند، برای رژیم ولایت فقیه محل سیاسی و اجتماعی پیدا کند. به اعتقاد این شخص رژیم ایران "مونوکراسی" نام دارد، ولی مونوکراسی را "حکومت خدای یگانه" معنی می کند. این سفیر بی تدبیر نمی داند، که حکومت خدائی تئوکراسی نام دارد، یعنی همان چیزی که آن را رد می کند و مونوکراسی که آن را می پذیرد، یعنی حکومت فردی، یعنی همان چیزی که الان در ایران وجود دارد و زعمای رژیم آنرا انکار می کنند. ما قصد نداریم با سفیر جمهوری در سازمان ملل بحث لغوی کنیم. اصولا با اینگونه سفیهان هرگونه بحثی بی حاصل است. دوران بحث با اینها گذشته است. اینها نشان داده اند که از چه قماشند، چگونه عمل می کنند و به کجا می روند. با اینها باید مبارزه کرد،

باید برای پایان دادن به این تراژدی عظیم که در کشور ما می گذرد، همه نیروهای میهن پرست و ترقیخواه متحد شوند و مبارزه کنند. جز این راهی نیست ●

مناسبت چهل و پنجمین سال شهادت دکتر تقی ارانی (۱۲۸۱-۱۳۱۸)

دکتر تقی ارانی: فرزانه انقلابی و چهره تابناک جنبش کارگری و کمونیستی ایران



ارانی در زندان نیز به مظهر شجاعت و پایداری و قهرمانی تبدیل شد و کینه حیوانی دستگاه حکومتی رضاخان را نسبت به خود برانگیخت.

در پیدادگاهی که در آبانماه ۱۳۱۷ برگزار شد، دکتر ارانی در دفاع تاریخی شش ساعته خود در واقع رژیم خودکامه رضاخان را به محاکمه کشید و با شهادت غرور آمیز و سرافرازی بایسته یک کمونیست از اندیشه های علمی و از ادیخواهانه خود به دفاع برخاست. او گفت:

"چطور می توان عقایدی را قدغن کرد که ریشه علمی آن با آغاز جامعه بشری شروع شده در جمیع شعب زندگی فردی و اجتماعی از روی اصول و پایه های کاملاً علمی و منطقی اظهار نظر می نماید...."

ارانی با زدن داغ ننگ و نفرت ابدی بر پیشانی "قانون های سیاه"، حکم تاریخی درخشانی را اعلام داشت:

"فقط آن قانونی مقدس است که حافظ منافع توده ها باشد."

دستگاه قضایی رضاخان ارانی و یارانش را به جرم خواندن کتاب و ترجمه آثار علمی به حبس های گوناگون، تا ۱۰ سال زندان محکوم ساخت. ولی آن روح پرتب و تاب و مقدسی که سخنان زیر در هر لحظه از زندگی و عملش درمی آمیزد، هیچ گاه و هیچ جا خواه در آزادی یا زندان آرامش نمی پذیرد. ارانی رسالت خود و یاران همدلش را می داند که چنین می گوید:

"جریان تاریخ شط مقدس و روشنی ست که به دریای تکامل می ریزد، بگذارتادار این شط مقدس از قطراتی باشیم که به دریا مهربیزنده ز آنها می که در لجن کناره، آلوده و گندیده می شوند."

ارانی زندگی را در لحظه لحظه اش، پویندگی درنگ ناپذیر و رزم ناپذیر در برابر نیروهای بازدارنده می بیند. ارانی زندان را نیز به رزمگاه تبدیل می کند تا خود بسان زلال ترین و پر تلاوت ترین "قطره ها" به دریای تکامل بشری بریزد.

ارانی چون تک ستاره رهنمای نورانی در آسمان قیرقام حکومت خودکامه رضاخان درخشید و از بقعه در صفحه ۸

آن پس با تمام نبوغ و دانش سترگ خود برای پراکندن خوشه های اندیشه انقلابی در بین توده های مردم تلاش ورزید.

در سال ۱۳۰۶، دومین کنگره حزب کمونیست ایران ("کنگره ارومیه") توانست مبارزه گروه های داخلی حزب را جمع بندی کند و در کالبد فعالیت های سازمانی و تبلیغاتی حزب جان تازه ای بدمد. در آن زمان مجله "ستاره سرخ" و سپس روزنامه های "پیکار"، "نهضت" و "برق انقلاب" بعنوان ارگان مطبوعاتی حزب در آلمان انتشار می یافت و ارانی تا هنگام مراجعتش به ایران با روزنامه "پیکار" و "نهضت" همکاری داشت.

ارانی در سالهایی به ایران بازگشت که رضاخان، این سرسپرده امپریالیسم انگلیس و سپس فاشیسم آلمان، با تصویب "قانون سیاه" (۱۳۱۰) و یورشهای بیپایی به جنبش کارگری کمونیستی پایه های دیکتاتوری خویش را در خون بهترین فرزندان خلق ایران استوار می ساخت. پس از بازآمدن به میهن، ارانی ابتدا به آموزش علوم فیزیکی و شیمی در دبیرستان های تهران پرداخت. پس از چندی به ریاست اداره تعلیمات منصوب شد که تا روز بازداشت در آن سمت باقی بود. در سال ۱۳۱۲ برای پیشبرد امر تبلیغ اندیشه های علمی و آگاهی بخش و سازمانگری پیروان مارکسیسم-لنینیسم در ایران امتیاز مجله "دنیا" را دریافت کرد و به یاری جمعی از همزمانش به انتشار آن پرداخت. مجله "دنیا" نخستین نشریه ای بود که به ترویج علمی جهان بینی علمی و شالوده تلوریک آن یعنی فلسفه مارکسیستی مبادرت می ورزید.

"دنیا" تا اواسط سال ۱۳۱۴ رویه مرفته ۱۲ شماره منتشر شد. مرکز انتشار "دنیا"، به مرکز سازمانی هواداران راه صلح و سوسیالیسم نیز تبدیل گردید. از سال ۱۳۱۲، برپایه تصمیم رهبری کمونیستهای ایرانی در مهاجرت، دکتر ارانی، عضو هیئت سه نفری مسئول احیاء فعالیت سازمانی و مجله دنیا (از شماره ششم) از جانب رهبری حزب کمونیست، بی آنکه رسماً اعلام شود به عنوان ارگان حزب کمونیست ایران پذیرفته شد.

در نتیجه فعالیت های دکتر ارانی و یارانش در سالهای ۱۳۱۳-۱۳۱۴، چندین اعتصاب در دانشکده های تهران علیه حکومت ترور و خفقان رضاخانی روی داد، که اهمیت خاصی داشت. در سال ۱۳۱۴ وزارت فرهنگ از انتشار مجله "دنیا" جلوگیری بعمل آورد. ولی عدم انتشار "دنیا" به قطع رشته فعالیت های سیاسی، اجتماعی و سازمانی ارانی و یارانش نیانجامید. پلیس رضاخانی که برپیکرد خود علیه مبارزه دانشجویان افزوده بود، اوایل سال ۱۳۱۵ عده ای را دستگیر و زندانی کرد و سرانجام توانست ارانی و گروهی از همزمانش را نیز بازداشت و زندانی کند. این خیل بازداشت شدگان به "گروه ۵۲ نفر" مشهور شدند.

روز ۱۴ بهمن، روز شهادت دکتر تقی ارانی یکی از تابناکترین چهره های جنبش کارگری و کمونیستی ایران، روز شهیدان حزب و جنبش انقلابی مردم و روز گرامیداشت خاطر الهامبخش پیکارگران در خاک و خون خفته راه آزادی و استقلال ایران است. چهل و پنج سال پیش در چنین روزی قلب پرشور آموزگار زحمتکشان ایران بدست دژخیمان حلقه بگوش ارتجاع و امپریالیسم درسیاهچال های رضاخان قلدر از تپش بازایستاد. رضاخان، سرسپرده مهرو نشان دار امپریالیسم از آن رو به زندگی دکتر ارانی پایان داد که در کانون هستی پر عظمت او و اندیشه های دوران سازش مرگ خویش و نظام ستمگرش را می دید. عشق کاستی ناپذیر به زحمتکشان و کینه سوزان طبقاتی نسبت به بهره کشان و استعمارگران، اعتقاد پولادین به حقانیت حزب طبقه کارگر و انترناسیونالیسم پرولتری، و پیوند این خصایل بارز انقلابی با استعداد شگرف و نبوغ آسای علمی و نظری و قدرت سرشار سازمانگری از ارانی یک رهبر پیکارجو و آموزگار شایسته زحمتکشان ایران بوجود آورد.

سراسر زندگی کوتاه ارانی جز خدمت پاکبازانه در راه رهایی طبقه کارگر و زحمتکشان و عدالت اجتماعی نیست.

پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و شکوفایی جنبش های آزادیبخش خلقهای ایران (انقلاب های گیلان، آذربایجان، خراسان) در سالهای ۱۲۹۶-۱۳۰۰ در وجود ارانی جوان شیاری از شور و آگاهی و انگیزه مبارزه جویی ایجاد کرد. ارانی در هیجده سالگی همدوش توده های محروم در نمایش های اعتراض آمیز علیه قرارداد اسارت بار ۱۲۹۸ که وثوق الدوله با انگلستان امضاء کرده بود، شرکت جست. در سال ۱۲۹۹ وارد دانشکده پزشکی تهران شد. در سال ۱۳۰۱ برای ادامه تحصیل عازم آلمان و سال بعد وارد دانشکده فلسفه دانشگاه برلین شد. در آن زمان جنبش انقلابی طبقه کارگر آلمان در حال اوج گیری بود و ارانی، به سبب تنگناهای مالی برای ادامه تحصیل در چاپخانه مجله "کاوه" که از سوی دمکراتها و سوسیال دمکراتهای مهاجر ایرانی در برلین منتشر می شد، سرگرم کار گردید. در این دوران او از نزدیک با زندگی طبقه کارگر و اندیشه های مارکسیسم-لنینیسم آشنا شد.

در سال های تحصیل در دانشگاه برلین، ارانی به عضویت "جمعیت مبارزه علیه دیکتاتوری" که بوسیله ایرانیان مهاجر بخاطر مبارزه علیه تدارک دیکتاتوری رضاخان تشکیل شده بود، درآمد. در جریان مبارزات ضد دیکتاتوری با کمونیست های نامداری همانند مرتضی علوی، نیک بین، سلطان زاده آشنا شد. این رفاقت ها نقش قاطعی در مسیر آینده زندگی او ایفا کرد. تا جایی که ارانی در راه پاسداری از منافع کارگران و زحمتکشان به حزب طبقه کارگر ایران پیوست و از

اعلامیه دومین کنفرانس احزاب کمونیست و کارگری منطقه مدیترانه خاوری، خاور نزدیک و میانه و دریای سرخ

در روزهای ۱۰-۱۲ ژانویه، به ابتکار و دعوت حزب ترقیخواه زحمتکشان قبرس (آکل) و حزب کمونیست یونان، دومین کنفرانس احزاب کمونیست و کارگری منطقه مدیترانه خاوری، خاور نزدیک و میانه و دریای سرخ در نیکوزیا تشکیل شد. در این کنفرانس وضع سیاسی- اجتماعی منطقه و اوضاع جهان در محیطی پرتفاهم و دوستانه مورد بحث و گفتگو و مذاکره قرار گرفت. در این کنفرانس نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز شرکت داشت و نظریات حزب را در مورد مسائل ملی و بین المللی، با اطلاع شرکت کنندگان در کنفرانس رساند. متن سخنرانی نماینده حزب توده ایران را در شماره گذشته "نامه مردم" با اطلاع خوانندگان رساندیم. اکنون اعلامیه پایانی کنفرانس را منتشر می کنیم.

از جمله مداخله نظامی، کوشش برای جدا کردن آنها از متحدین طبیعیشان، یعنی اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی؛
- تحکیم سرکردگی ایالات متحده در جهان سرمایه داری، خنثی ساختن هرگونه گرایش برای گریز از مرکز، تقویت پیمان آتلانتیک شمالی و سایر پیمانهای امپریالیستی،

- ولی علیرغم این واقعیت، که پس از جنگ دوم جهانی، هیچگاه صلح جهانی مانند امروز مورد مخاطره نبوده است، باید متذکر بود که تنش زدایی ریشه های نیرومندی دارد. نیروهای صلخواه، یعنی کشورهای جامعه سوسیالیستی که اتحاد شوروی در راس آن قرار دارد، جنبش طبقه کارگر، جنبش آزادی بخش ملی و جنبش ضد جنگ و هوادار صلح در سراسر جهان، روز بروز نیرومندتر میشوند و خود را برای عظیم ساختن نقشه های تبهکارانه امپریالیسم مجهزتر می کنند. حتی پاره ای از محافل حاکمه کشورهای سرمایه داری، با نگرانی و ناخشنودی در قبال سیاست ماجراجویانه ایالات متحده، عکس العمل نشان میدهند.

شرکت کنندگان در کنفرانس متذکر می گردند که:

- مهمترین مسئله دوران ما جلوگیری از جنگ، پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی و مبارزه در راه خلع سلاح و در درجه اول خلع سلاح اتمی است،
- مسئله صلح بطور مستقیم با حل مسائل اجتماعی- اقتصادی طبقه کارگر و سایر زحمتکشان پیوند دارد،

- تنش زدایی و همزیستی مسالمت آمیز شرایط مساعدتری برای مبارزه خلع سلاح در راه تحصیل منافع حیاتی نشان فراهم می آورد،

- شرکت کنندگان در کنفرانس مصممند که همراه سایر نیروهای ترقیخواه، دمکراتیک و صلحجوی کشورهای خود، برای جلوگیری از نظامی کردن فضای کیهانی، برای متوقف ساختن استقرار موشکهای پرشینگ ۲ و کروزر در اروپای غربی و برای برچیدن موشکهای استقرار یافته، برای جلوگیری از وقوع یک فاجعه اتمی که بشریت را تهدید میکند و برای بازگشت به سیاست تنش زدایی و همزیستی مسالمت آمیز، مبارزه خود را به حداکثر تشدید کنند. از این روست که آنها ابتکارات صلحجویانه اتحاد شوروی و سایر اعضای پیمان و زشورا تأیید می

نمایندگان حزب دمکراتیک خلق افغانستان، جنبش آزادی بخش ملی بحرین، حزب آکل قبرس، حزب کمونیست مصر، حزب کارگری اتیوپی، حزب کمونیست یونان، حزب توده ایران، حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست اسرائیل، حزب کمونیست اردن، حزب کمونیست فلسطین، حزب کمونیست عربستان سعودی، حزب کمونیست سوریه، حزب کمونیست ترکیه و سایر احزاب کمونیست و کارگری منطقه مدیترانه خاوری، خاور نزدیک و میانه و دریای سرخ، در ۱۲ ژانویه ۱۹۸۵ در نیکوزیا گرد هم آمدند و مسائل منطقه را مورد بررسی قرار دادند.

احزاب کمونیست و کارگری منطقه با نگرانی ویژه به این نتیجه رسیدند که تحول حوادث در مقیاس جهانی و در مقیاس منطقه با شتاب تمام صورت بسیار خطرناکی می گیرد. از تاریخ برگزاری کنفرانس ۱۹۸۱ احزاب مذکور، حوادث مهمی بقرار زیر رویداده است:

هجوم اسرائیل - آمریکا علیه لبنان و تشدید مداخلات امپریالیستی و حضور نظامی آن در منطقه، هجوم امپریالیسم ایالات متحده به گرنادا، فعالیت های مداخله جویانه علیه نیکاراگوئه و علیه خلق السالوادور و تهدید کوبا؛ گردآوری نیروهای نظامی در خلیج فارس و اقیانوس هند، تهیه سلاح های هسته ای بوسیله رژیمهای ارتجاعی آفریقای جنوبی، اسرائیل، پاکستان، استقرار موشکهای هسته ای ایالات متحده، پرشینگ ۲ و کروزر در اروپای غربی و تشدید مسابقه تسلیحاتی بوسیله ایالات متحده و گسترش آن به فضای کیهانی در اجرای جنگ ستاره ها، اینها حوادثی است که بشریت را باز هم به پرتگاه یک جنگ نابودکننده هسته ای نزدیک ترمی کند.

احزاب کمونیست و کارگری منطقه تاکید می کنند که تنها مسئول چرخش بسوی جنگ سرد در مناسبات بین المللی امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکاست. هدفهای آن عبارتند از:

- تلاش آشکار برای برهم زدن تعادل موجود قوا و کوشش برای احراز برتری استراتژیک نظامی در قبال اتحاد شوروی، بمنظور استقرار تسلط بر جهان؛

- ضربه زدن بر جنبشهای آزادی بخش ملی و حکومت های ترقیخواه، با استفاده از تمام وسائل و

کنند و از تصمیماتی که برای دفاع از خویش، بالاچار اتخاذ کرده اند پشتیبانی می کنند. هدف این تصمیمات آن بوده است که ایالات متحده را از احراز برتری نظامی و نقض اصل امنیت متقابل و متساوی بازدارند. آنها همچنین ابتکارات سایر کشورهای صلحجو، شخصیت ها و جنبش هایی را که خواستار پایان دادن به تسلیحات اتمی و هوادار خلع سلاح کامل و جامع هستند تأیید می کنند. آنها از ایجاد مناطق غیر اتمی در منطقه بالکان، مدیترانه و خاور نزدیک و سایر مناطق پشتیبانی می کنند.

احزاب کمونیست و کارگری شرکت کننده در کنفرانس بر آنند: حوادثی که در هر یک از کشورهای منطقه وقوع می یابد، یا حوادث بزرگ تری که در جهان روی می دهد، پیوند نزدیک دارد. مردم کشورهای منطقه، با یک سلسله مسائل عمومی روبرو هستند، که بر اثر دسائس امپریالیسم بوجود آمده اند و هدف آنها نوسازی و تحکیم مواضع امپریالیسم در این منطقه حساس ژئوپلیتیک است. سیاست امپریالیست ها در پدیده های زیرین انعکاس می یابد:

- بسط اتحاد استراتژیک میان ایالات متحده آمریکا و اسرائیل؛

- تشویق مهاجمین اسرائیلی به ادامه اقدامات تهاجمی. تهدید سوریه به تهاجم نظامی. مداخله نظامی ایالات متحده آمریکا دولت های ناتو در لبنان. تلاش شدید برای ادامه مشی کمپ دهبود و نقشه ریکان، بمنظور تحمیل سرکردگی ایالات متحده و اسرائیل بر منطقه و برپادادن آرمان بحق خلق فلسطین؛

- تشدید تلاش برای تبدیل قبرس به یک ناو هوایی با برقر نشدن برای ناتو در منطقه و ایجاد پایگاه های هوایی، دریایی و موشکی در شمال قبرس و پذیرش دولت دنکناش که گام تازه ایست در راه تقسیم قبرس؛

- بسط و تحکیم پایگاه های ایالات متحده در منطقه. ایجاد "نیروهای واکنش سریع" و اجرای مداوم تمرینهای نظامی بوسیله آن و همچنین ایجاد "مرکز فرماندهی ایالات متحده" در منطقه. حصول توافقه های نظامی محلی در زمینه ایجاد نیروهای مداخله گر؛

تهدید و توطئه بر ضد آن کشورهای منطقه که خود را از سلطه امپریالیسم نجات داده اند و همچنین تلاش برای ایجاد اختلال در زندگی آنها و صدور ضد انقلاب به آنها. برانگیختن آتش جنگهای محلی، جنگها و تصادمات داخلی؛

- تشویق رژیم فاشیستی ترکیه به توطئه و تحریک و تقویت نقش آن در نقشه های امپریالیستی در منطقه. کمک همه جانبه به رژیم ها و نیروهای ارتجاعی در منطقه و تقویت آنها؛

- تبدیل پاکستان - که زیر سلطه یک رژیم نظامی قرار دارد به یک سریل بزرگ برای امپریالیسم آمریکا و اجرای توطئه ها و مداخلات دائم بر ضد کشورهای منطقه بویژه بر ضد جمهوری دمکراتیک افغانستان؛

- علیرغم تشدید حملات امپریالیسم،

اعلامیه دومین کنفرانس احزاب کمونیست و کارگری...

صیہونیسم و ارتجاع و با وجود مشکلات ناشی از بغرنجی حوادث، جنبش های آزادی بخش ملی در منطقه به رشد خویش ادامه داده اند،

نقش پیشاهنگ طبقه کارگر و احزاب آن به جنبش های خلقی و آزادی بخش محتوا و سمت ضد امپریالیستی می دهد. نبرد بر ضد امپریالیسم، بر ضد رژیم ها و نیروهای ارتجاعی، بخاطر استقلال ملی، دموکراسی و رشد اقتصادی و ترقی اجتماعی گسترش می یابد.

رژیمهای انقلابی در افغانستان، اتیوپی و جمهوری دموکراتیک خلق یمین بیش از پیش تحکیم می شوند و گامهای مهمی در راه پایان رساندن مرحله ملی-دمکراتیک و در جهت سوسیالیسم بر میدارند.

نیروهای میهن پرست در لبنان، با پشتیبانی نیروهای ضد امپریالیست عرب و بین المللی، با عقیم ساختن موافقت نامه مورخ ۱۷ ماه مه ۱۹۸۲ لبنان - اسرائیل و با بیرون راندن نیروهای آمریکا و ناتو، پیروزی بزرگی بدست آوردند. آنها وحدت عمل خود را تحکیم می بخشند و مقاومت مسلحانه خود را در قبال اشغالگران اسرائیلی و مداخله جویان آمریکایی شدت می دهند و گامهای بزرگی در راه خنثی کردن نقشه های امپریالیستی، صیہونیستی و ارتجاعی بر می دارند.

کمک های همه جانبه مادی، سیاسی و معنوی کشورهای جامعه سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی به رژیم های میهن پرست، انقلابی و خلقی و به جنبش های توده ای و آزادی بخش ملی، واجد اهمیت شایان برای استقلال و حاکمیت ملی، و برای رشد اجتماعی - اقتصادی و برای صلح و امنیت کشورهای منطقه است.

احزاب کمونیست و کارگری شرکت کننده در کنفرانس، سیاست اشغالگران اسرائیل را در لبنان قویا محکوم می کنند. آنها همبستگی فعال خود را با حزب کمونیست لبنان و با "جبهه ملی مقاومت لبنان" و سایر نیروهای دموکراتیک که برای خروج فوری، کامل و بی قید و شرط قوای اسرائیل از جنوب لبنان و برای حفظ استقلال و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی لبنان و وحدت خلق آن و هویت عربی و رشد دموکراتیک آن مبارزه می کنند، ابراز می دارند.

شرکت کنندگان در کنفرانس همبستگی فعال خود را با سوریه که مصمانه در قبال تهدیدات و فشارها و توطئه های امپریالیسم، صیہونیسم و ارتجاع عرب مقاومت می کند، ابراز می دارند.

شرکت کنندگان در همان حال همبستگی خود را با حزب کمونیست فلسطین، با خلق عرب فلسطین و نماینده منحصر و قانونی آن، "ساف" مورد تاکید قرار می دهند. آنها لزوم حفظ وحدت و استقلال "ساف" و مشی ضد امپریالیستی آن، تشدید مقاومت در قبال هرگونه تحمیل راه حلهای تسلیم طلبانه به آن، از راه قبول موافقت نامه های عدن و الجزیره و قطعنامه های شورای ملی فلسطین، بویژه قطعنامه های شانزدهمین اجلاس به آن، خاطر نشان می سازد. آنها پشتیبانی خود را از

مقاومت فلسطینی ها در سرزمین های اشغالی ابراز می دارند.

شرکت کنندگان در کنفرانس همبستگی خود را با حزب کمونیست اسرائیل، با "جبهه دموکراتیک برای صلح و همبستگی" و با سایر نیروهای صلحجوی اسرائیل در مبارزه علیه سیاست تهاجمی اسرائیل و بخاطر یک راه حل عادلانه و صلحجویانه برای مسئله فلسطین و برای استقرار صلح همه جانبه در منطقه، مورد تاکید قرار می دهند.

حل مسئله خاور میانه و حصول یک صلح عادلانه، همه جانبه و پایدار در این منطقه مستلزم آنست که در نیروهای اسرائیلی از تمام سرزمین های عربی که در سال ۱۹۶۷ مورد اشغال قرار گرفته اند خارج شوند و تمام شهرک های اسرائیلی که در این مناطق بوجود آمده اند، برجیده شوند و حقوق ملی خلق عرب فلسطین شناخته شود و بالاتر از همه، حق آنها برای تعیین سرنوشت خویش، ایجاد یک دولت مستقل ملی در سرزمین فلسطین و همچنین به حق تمام کشورهای منطقه برای داشتن استقلال و برخورداری از یک زندگی صلحجویانه در داخل مرزهای امن از نظر بین المللی شناخته شده، مورد احترام قرار گیرد. آخرین پیشنهاد های اتحاد شوروی برای حل و فصل بحران خاور میانه، از راه دعوت یک کنفرانس بین المللی، قدم قاطعی است در این راه.

ادامه جنگ عراق - ایران تنها به نفع امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی دو کشور و در منطقه است. قطع فوری جنگ میان ایران و عراق یک امر عاجل است، و حل اختلافات میان دو کشور با استفاده از طرق صلح آمیز بر اساس احترام متقابل و رعایت استقلال و حاکمیت ملی دو کشور، طبق موازین حقوق بین الملل امکان پذیر است. نقل و انتقالات اخیر واحدهای ناوگان آمریکا و سایر کشورهای امپریالیستی در مناطق خلیج فارس و دریای سرخ و همچنین تشدید تضيیقات ضد خلقی و ضد دموکراتیک برخی از کشورهای ساحل خلیج، با استناد وجود جنگ، ضرورت پایان دادن به این جنگ را بیش از پیش به یک امر عاجل مبدل میکند.

عقب نشینی ناوگان امپریالیستی از منطقه خلیج فارس و دریای سرخ و شبه جزیره عربستان و برجیدن پایگاههایی که در این منطقه ایجاد شده است، احترام به استقلال و حاکمیت ملی و سیاست عدم تعهد کشورهای این منطقه و پائین آوردن هزینه های عظیم نظامی آن ها، به رشد اقتصادی و تکامل این کشورها و به ختم تشنجات در منطقه و تبدیل آن به یک منطقه صلح و امنیت، کمک خواهد کرد.

پیشنهاد داور بر تبدیل اقیانوس هند به منطقه صلح، پیشنهادیست بموقع. در این رهگذر، اقداماتی که در چارچوب سازمان ملل متحد بعمل آمده است و پیشنهادی که در آخرین کنفرانس سران کشورهای غیر متعهد، برای دعوت کنفرانس سران کشورهای منطقه اقیانوس هند بتصویب رسیده است، بویژه واجد اهمیت است.

نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری تشکیل

غیرقانونی دولت ترک نشین قبرس را و همچنین مبتکرین و هواداران این عمل شوونیستی - امپریالیستی را محکوم می کنند. ایجاد پایگاههای بزرگ نظامی در بخش اشغالی قبرس برای نیروهای واکنش سریع از نظر آنها محکوم و مردود است. آنها مذاکرات قریب الوقوعی را که زیر نظارت دبیر کل سازمان ملل متحد انجام خواهد شد و همچنین مساعی دبیر کل را برای حصول یک توافق جامع در مورد قبرس در مذاکراتی که در عالی ترین سطح در ۱۷ ژانویه، بر اساس قطعنامه های سازمان ملل متحد انجام خواهد شد تأیید می نمایند. آنها از مبارزه آکل و مردم قبرس در راه استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی قبرس و ایجاد یک قبرس فدرال، غیر متعهد و کاملاً غیر نظامی، خالی از نیروها و پایگاه های بیگانه حمایت می کنند.

شرکت کنندگان در کنفرانس تحریکات محافل شوونیستی ترک و امپریالیسم ایالات متحده را در اژه محکوم می کنند و معتقدند که اختلافات میان یونان و ترکیه باید سریعاً بطریق مسالمت آمیز، طبق اصول حقوق بین المللی، بر اساس اعلامیه پایانی هلسینکی، منشور ملل متحد و احترام به استقلال، حاکمیت ملی، و تمامیت ارضی طرفین و دور از هرگونه مداخله و داوری امپریالیستی فیصله یابد.

دست یابی اسرائیل به سلاحهای اتمی و استقرار موشکهای اتمی آمریکا در کومیسودر سیسیل، عاملی است که موجب تشدید تشنج است و خطری مستقیم برای کشورهای منطقه و ماوراء آنها بشمار می آید. شرکت کنندگان در کنفرانس طلب می کنند که موشکهای اتمی آمریکا از منطقه برجیده شوند و اسرائیل به تولید سلاحهای اتمی پایان دهد و قرار داد مبنی بر عدم تولید سلاحهای اتمی را امضاء کند.

شرکت کنندگان در کنفرانس مبارزه نیروهای صلحجو در منطقه مدیترانه را تأیید می کنند و اهمیت مبارزه برای خارج کردن سلاحهای اتمی ضربه اول و سایر سلاحهای اتمی آمریکا از اراضی کشورهای غیر اتمی و همچنین برجیدن تمام پایگاه ها و تاسیسات نظامی را در منطقه متذکر میشوند. آنها خواستار تبدیل دریای مدیترانه به یک دریای صلح پایدار و امنیت و همکاری میان ملل همجوار آن هستند. از این رو هوادار تحققی پیشنهاد پیمان ورشو مبنی بر خروج ناوهای بزرگ مجهز به سلاحهای اتمی از مدیترانه میباشد.

شرکت کنندگان تحریکات، تهدیدات و مداخلات امپریالیستی علیه لیبی، آنگولا، موزامبیک، نیکاراگوئه و السالوادور را محکوم می کنند و همبستگی کامل خود را با خلقهای این کشور و تمام رژیمهای انقلابی و میهن پرست و جنبش ها آزادی بخش ملی، ضد تبعیض نژادی و ضد استبدادی آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین اعلام می دارند.

شرکت کنندگان فوجای نیروهای اشغالگر اسرائیل را در اراضی اشغالی در لبنان، فلسطین و اراضی اشغالی سوریه و بلندی های جولان محکوم می کنند. آنها رشد فعالیت های نژادی، و فاشیستی را در اسرائیل محکوم می کنند و طلب می کنند که

به جنگ امپریالیسم برافروخته باید پایان داد!

بقیه از صفحه ۱

جنگ در نهادها و مؤسسات راتنها با حربه سرکوب و ارباب فروبشانند. آنها با بهره برداری از باورهای صادقانه مذهبی مردم همچنان به بازار فتواگیری و فتواتراشی رونق تازه ای می بخشند. آقای خمینی فتوا می دهد که مخالفت با جنگ، مخالفت با قرآن است تا صدای اعتراض توده های مردم مسلمان را نسبت به ادامه جنگ خاموش سازد. آقای خمینی برای آنکه "تورجنگ" را با گوشت و استخوان مردم و به بهای فقر و سیه روزی کارگران و زحمتکشان گرم نگهدارد می گوید: "کسانیکه تبعیتی از قرآن می کنند در نظر داشته باشند که باید تا آنجائی که قدرت دارند ادامه به نبردشان بدهند." (اطلاعات ۲۱ آذرماه ۶۲). بدنیال این سخنان است که گردانندگان امور در جمهوری اسلامی طوطی وارد دولت و مجلس و دیگر نهادهای کشوری و لشکری بانگ تایید دوباره برمی دارند. از جمله آقای نخست وزیر پیرامون سیاست جنگی دولت اعلام می دارد:

"در حال حاضر بر سر این مسئله مصر هستیم و همه توافق داریم" (اطلاعات ۲۵ آذرماه ۶۲) و آقای نبوی می گوید اگر "...امام در رابطه با جنگ حکمی کرده باشند که طبعاً از آن دیگر تخطی جایز نیست." (۲۳ دیماه ۶۲ "جمهوری اسلامی").

در شرایط کنونی، ادامه جنگ برای حاکمیت ج.ا. علی رغم دشواریهای بسیار در زمینه های گوناگون، جنبه حیاتی یافته است. سخنان رفسنجانی، رئیس مجلس، بازتاب گویایی از این حقیقت است. او میگوید: "جنگ هستی ماست." (اطلاعات ۱۱ دیماه ۶۲).

از آن رو ادامه جنگ به شیشه عمر و "هستی" رژیم تبدیل شده است که راستگرایان پشتبیان کلان سرمایه داران و زمینداران بزرگ به دستاویز آن از انجام هرگونه اصلاحات اقتصادی و اجتماعی بسود توده های مردم سرباز می زنند و آزادیها و حقوق دمکراتیک و اعتراضات و گرایشات حق طلبانه مردم ایران را بشدت سرکوب می کنند. بدین ترتیب آنها پایه های حکومت خود را در خون خلق استوار نگه می دارند. طبیعی است که در نتیجه این وضع، موج ناخشنودی و نگرانی گسترده ای جامعه را فرا گرفته است. ولی سران رژیم بدون توجه به خواستها و منافع صلح خواهانه توده های مردم که سنگینی اصلی فشارهای گوناگون اقتصادی و اجتماعی جنگ را بر کرده خویش احساس می کنند، در پشت درهای بسته اطاق های جنگ به تصمیم گیری می پردازند و با کشتار بیرحمانه زحمتکشان موج خون براه می اندازند.

در راه اتخاذ تصمیم و سیاستگزاری در مورد روند ادامه جنگ بعد از آقای خمینی که نقش تعیین کننده و منحصر بفردی در حاکمیت ج.ا. دارد، نوبت به "شورای عالی دفاع" می رسد که یگانه کانون نقشه پردازی های جنگی و صدور فرمان

اعلامیه مشترک

بقیه از صفحه ۱

۱- ایران و پاکستان دو کشوری هستند که در آنها رژیم های خودکامه با شیوه های قرون وسطایی حکومت می کنند و کلیه حقوق و آزادیهای دمکراتیک مندرج در اعلامیه حقوق بشر مصوب سازمان ملل متحد که هر دو کشور آنرا امضاء کرده اند، با توسل به ترور و اختناق سبعانه لگدمال می شود.

۲- هر دو حزب، زندان و شکنجه و قتل و اعدام اعضای سازمانهای ملی و مترقی و دیگر میهن پرستان را بشدت محکوم می کنند و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط زندانیان سیاسی در هر دو کشور ایران و پاکستان هستند.

۳- هر دو حزب سیاست عمیقاً ضد خلقی رژیم های ایران و پاکستان را علیه خلق ستمدیده بلوچستان ایران و بلوچستان پاکستان قویاً محکوم می کنند. ما از مبارزه خلق بلوچ در چارچوب کشورهای ایران و پاکستان در راه دستیابی به خودمختاری، حقوق ملی و دمکراتیک حمایت می کنیم.

۴- ادامه جنگ ایران و عراق که خسارات عظیم مالی و جانی بهر دو کشور همسایه وارد آورده و میلیونها کشته و معلول و بی خانمان برجای گذارده، فقط به نفع امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا است. ما خواهان پایان دادن سریع جنگ هستیم و معتقدیم که اختلافات بین ایران و عراق می تواند در پشت میز مذاکره بر اساس حفظ تمامیت ارضی دو کشور و صلح عادلانه حل و فصل گردد.

ادامه جنگ موجب تقویت حضور نظامی آمریکادر منطقه گردیده و استقلال کشورهای منطقه را به خطر انداخته است.

ما، خواهان برچیده شدن کلیه پایگاههای آمریکا در سراسر منطقه خاورمیانه و نزدیک و اقیانوس هند هستیم.

۵- هر دو حزب، شرکت رژیم های ایران و پاکستان را که همدوش امپریالیسم تجاوزکار

حمله است. عملکرد ضد ملی و خودسرانه "شورای عالی دفاع" به گونه ای است که خود را در بازی با سرنوشت مردم و استقلال ایران، مختار و همه کاره و بی نیاز از توضیح می داند و حتی حاضر نیست که مجلس را رسماً در جریان کار خود بگذارد. به این خاطر و تحت تاثیر تمایلات صلح خواهانه و ناخشنودی گسترده توده های مردم و فعال مایشایی "شورای عالی دفاع"، اکبر حمیدزاده، نماینده "بوئین زهرا" و "اوج" مطرح می کند که:

"مجلس باید در جریان جنگ و خط مشی شورای عالی دفاع قرار گیرد." (اطلاعات ۲۱ آذرماه ۶۲). خواست پایان جنگ، مبرم ترین خواست توده های مردم ایران، ماهیتاً با هرگونه تحول و دگرگونی و بهبودی در زندگی اقتصادی- اجتماعی جامعه بسود محرومان و زحمتکشان ایران پیوند دارد. از اینرو افشای گسترده تلاشهای جنگ

آمریکا و دیگر کشورهای عضو ناتو در جنگ اعلان نشده علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان شرکت دارند و مخالف مصالح خلقهای کشور ما می باشد بشدت محکوم می کنند.

ما معتقدیم که در پیشنهاد های دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان کلیه شرایط دسترسی به یک راه حل سیاسی از طریق مذاکره با ایران و پاکستان برای پایان دادن به جنگ اعلان نشده، بطور صریح و واقع بینانه انعکاس یافته است.

مردم ایران و پاکستان مصرأ خواستار برچیده شدن پایگاههای خرابکاری "سیا" در ایران و پاکستان علیه خلق همسایه و برادر، افغانستان هستند و می طلبند تا شرایط بازگشت داوطلبانه افغانهایی که به زور و فریب به برون مرزها کشانده شده و در شرایط وحشتناک در ایران و پاکستان زندگی می کنند و فاقد ابتدایی ترین حقوق انسانی هستند فراهم آید.

۶- هر دو حزب، تبدیل پاکستان به پایگاه نظامی ایالات متحده آمریکا و توطئه های واشنگتن و اسلام آباد را علیه کشور هندوستان محکوم می کنند.

۷- هر دو حزب، نگرانی عمیق خود را از تشدید وخامت وضع بین المللی که امپریالیسم آمریکا و متحدانش در ناتو میترک آن هستند و جهان را بسوی جنگ هسته ای و نابودی سوق می دهند، ابراز می دارند.

مبارزه علیه سیاست مسابقه تسلیحات هسته ای و کشاندن آن به فضای کیهانی که از جانب واشنگتن تعقیب می شود، وظیفه عاجل همه انسانهای آزاده و صلحدوست در سراسر جهان است. ما از پیشنهاد های دولت اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی درباره حفظ صلح جهانی و امنیت بشری و نیز تبدیل اقیانوس هند به منطقه عاری از سلاحهای هسته ای و منطقه صلح، قویاً حمایت می کنیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی حزب کمونیست پاکستان

افروزانه و توسعه طلبانه حکام ج.ا. در بین توده های مردم و مبارزه متحد برای پایان بخشیدن به جنگ یکی از مهمترین وظایف پیکارجویانه احزاب و سازمانهای مترقی و انقلابی است.

به این جنگ امپریالیسم برافروخته باید پایان داد!

خوانندگان عزیز!

به این نشانی با ما مکاتبه کنید:

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

به جنگ خانمان سوز با عراق پایان دهید!

اخطار شدید دولت افغانستان به ایران

به گزارش خبرگزاری باختر، در روز ۱۰ ژانویه یک فروند هواپیمای ایران به حریم هوایی جمهوری دموکراتیک افغانستان تجاوز کرد. هواپیمای متجاوز که از فرودگاه میرجاوه به هواپرسخته بود، در منطقه کوچ نورورد حریم هوایی افغانستان گردید. در پیامد این اقدام تحریک آمیز و تجاوزکارانه ایران، دولت جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان در این زمینه شدیداً به دولت ایران اخطار کرد.

تجاوز مرزی اخیر ایران به خاک کشور همسایه ما، افغانستان، نه یک رویداد اتفاقی و حادثه ای ناخواسته، بلکه یکی از حلقه های سیاست خارجی تجاوزکارانه و ماجراجویانه جمهوری اسلامی بشمار می آید. پس از انقلاب ۲۲ بهمن، رژیم جمهوری اسلامی در راه توطئه گری بر علیه انقلاب پیروزمند افغانستان، دقیقاً سیاست دسیسه آمیز رژیم شاه را در ابعادی بمراتب وسیعتر و بعنوان

یکی از عناصر اصلی سیاست خارجی خود، بگونه ای فعال دنبال کرد.

در حال حاضر، دولت ایران در همکاری نزدیک با پاکستان - یعنی سریل اصلی تجاوز و جنگ اعلام نشده امپریالیسم و ارتجاع علیه خلق و انقلاب افغانستان - بشکل بیسابقه ای سرگرم بسیج و آموزش و اعزام ضدانقلابیون افغانی و خرابکاری در امور داخلی کشور ضد امپریالیست و صلح دوست افغانستان هستند.

از سوی دیگر، دولت افغانستان تاکنون بارها به پیروی از سیاست صلحخواهانه و انقلابی خود به دولت های ایران و پاکستان، برای پایان دادن به جنگ اعلام نشده و تبدیل خطوط مرزیشان به مرزهای دوستی، صلح و همزیستی مسالمت آمیز پیشنهاد گفتگو داده است. ولی دولت ایران همواره این دست دوستی و آشتی را پس زده و سیاست تشدید توطئه و تجاوز را یکانه پاسخ خود ساخته است. زحمتکشان ایران توطئه تجاوز هوایی رژیم را به خاک کشور همسایه شدیداً محکوم می کنند.

را بویژه در عربستان سعودی، بحرین و عمان محکوم می کنند. آنها خواستار تعیین تکلیف زندانیان سیاسی، آزادی آنها و پذیرش تصریحات اعلامیه جهانی حقوق بشر هستند. آنها پیگرد، بازداشت غیر قانونی، شکنجه زندانیان و نقض آزادیهای عمومی را در سودان و سومالی و اردن محکوم می کنند.

احزابی که در کنفرانس شرکت کرده اند اعتقاد راسخ دارند که میتوان به اقدامات امپریالیستی، بویژه اقدامات امپریالیسم آمریکا در جهت تأیید مقاصد صهیونیستی اسرائیل و سایر نیروهای ارتجاعی در منطقه، مهار زد و تناسب قوا را بنفع نیروهای صلح، آزادی ملی و ترقی اجتماعی تغییر داد. شرط اساسی حصول این مقصود، همکاری و تعاون وسیعترین قشرهای ضد امپریالیست در منطقه، شرکت فعال توده های خلق، دفاع از آزادیها و حقوق دموکراتیک آنها و ارضاء نیازمندی های اساسی اجتماعی - اقتصادی شان می باشد.

باید اختلافات جزئی و ثانوی را کنار گذاشت، تبعیض در مورد کمونیست ها باید پایان یابد، آن محافلی که قصد منفرد کردن آنها را دارند باید از اینکار دست بردارند تا بتوان یک جبهه ضد امپریالیستی وسیع تشکیل داد و سدی استوار در برابر حملات امپریالیستی بوجود آورد تا بتوان سرانجام منطقه را از بستگی به امپریالیسم آزاد کرد و راه استقلال و ترقی اجتماعی را در برابر تمام کشورهای منطقه گشود و بدین ترتیب به تحکیم صلح جهانی یاری کرد.

احزاب برادر شرکت کننده در کنفرانس معتقدند که هدف اصلی شوروی ستیزی و کمونیسم ستیزی ادامه اسارت خلقها، ادامه استثمار زحمتکشان، ناتوان کردن نیروهای میهن پرست، دموکرات و ترقیخواه و تضعیف همبستگی و مبارزه بر ضد امپریالیسم و ارتجاع است. آنها معتقدند که وحدت کمونیست ها عامل اساسی در پیشبرد وحدت جنبش جهانی کارگری و تمام نیروهای ضد امپریالیسم

از لابلای روزنامه ها

فارسی شکر است!

"امیدوار هستیم در این هفته وحدت که فاصله بین سه نظر و تاریخ میلاد حضرت را که مربوط به برادران اهل سنت و تشیع است و به ابتکار حضرت آیت الله العظمی منتظری مورد استقبال گرم قرار گرفته بخوبی از آن استفاده بشود" (محمد یزدی، نایب رییس مجلس، کیهان ۶۲.۹.۱۸)

- پیشنهاد می کنیم در مجلس شورای اسلامی یک کلاس اکابر دایر کنند و زبان فارسی را به حضرات آیات اعظام و حجج اسلام یاد بدهند!

نقش "فلان آقا"!

"وقتی مردم میگویند این مسئولی که نصب شده و جواز اذیت ما را دریافت کرده است، متخلف است، متعدی به حقوق مردم است، فرصت طلب است، بی ضابطه است، بی معیار است، مردم را با اعمال خودش بشدت ناراضی کرده، و یا یک مسئولی متعهد است، مومن است، مجرب و کاردان و لایق است، مسئولین در جواب شکایات مردم به ما میگویند که دلیل عزل او اینست که فلان آقا او را تأیید نمی کند و یا اینکه آن را که ما نصب می کنیم، به این دلیل است که با فلان آقا موضع ندارد" (نماینده میاندوآب، کیهان ۶۲.۹.۲۶)

- از قدیم گفته اند: کدخدا را ببین، ده را بچاپ.

سرعت عمل!

"قرار بود بر اساس اعلام مدیر عامل دخانیات سیگار تیر از روز ۱۷ آذرماه در بازار توزیع شود. اما معلوم نیست دست اندرکاران بازار دزدی از چه کانی این سیگارها را بدست آورده بودند که روز ۱۵ آذر آنها به قیمت ۲۵ تومان می فروختند!" (کیهان و شما، کیهان، ۶۲.۹.۲۵)

- از یکی پرسیدند کی آمدی؟ گفت: پس فردا! گفتند: پس فردا که هنوز نیامده. گفت: من تندتر آمدم، زودتر رسیدم دست اندرکاران بازار دزدی هم تندتر جلبیدند و زودتر از دخانیات به پول و پله رسیدند! دیگر اینکه فی الواقع حق با آنهاست که می گویند کارها را از دولت بگیرد و به دست بخش خصوصی بدهد تا سریعتر انجام شود!

و ضد جنگ میباشد.

شرکت کنندگان در کنفرانس معتقدند که تشکیل یک کنفرانس بین المللی از احزاب کمونیست و کارگری برای اجرای عمل مشترک بر ضد تهدیدات امپریالیستی بر ضد تنش زدایی و صلح امریست لازم و بموقع.

روند دشوار رهایی از دیکتاتوری در آمریکای جنوبی

ارث بردم و منتظر معجزه نیستم". دیون خارجی وزنه سنگینی بگردن دولت آینده برزیل خواهد بود. آنهم نه فقط از نظر مالی بلکه همچنین از نظر سیاسی و اجتماعی وایدئولوژیکی، زیرا چنین بدهی بزرگی بمعنی وابستگی به ایالات متحده آمریکاست.

شاید رییس جمهور تازه برزیل واقعا خواهان انجام اصلاحات موثری در نظام سیاسی کشور باشد، ولی تعداد زیاد قوانین ضددمکراتیک موجود و مسائل بسیار دشوار اجتماعی که حاصل سیاست اقتصادی کشور است میتواند مانع بزرگی پرسر راه او باشد.

آیا منابع عظیم طبیعی کشور میتوانند وزنه ای در مقابل وابستگی مالی کشور باشد و به رییس جمهور امکان دهد در برابر شانتاژ و خرابکاری و تحمیلات ایالات متحده مقاومت کند؟ نباید فراموش کرد که کشور بزرگی مانند برزیل اگر دارای حکومتی ملی و مدافع منافع خلق خود باشد مانع بزرگی بر سر راه سیاست غارتگرانه امپریالیست هاست.

و سؤال دیگری که مربوط به همه کشورهای آمریکای لاتین که در زمانهای اخیر از یوغ دیکتاتوریها خلاص گردیده اند میشود اینست که گرچه ژنرالها از حکومت کنار میروند ولی بسیاری اهرمها در دست آنان باقی ماند، در اینصورت چه تضمینی وجود دارد که حکومت های خونین فاشیستی از نو باز نکرند؟

هم اکنون در بلیوی شاهد تلاشهای مکرر ژنرالهای وابسته به آمریکای برای بدست گرفتن اهرمهای قدرت هستیم. در عین حال فشارهای اقتصادی و مالی امپریالیست ها دولت بلیوی را مجبور به اتخاذ تصمیم هایی می کند که موجب واکنش طبقه کارگر می گردد.

برزیل هم دارای طبقه کارگری است زیر فشار پلیسی و تبلیغاتی، ولی بهر حال نیرومند و پرتوان، بدون تردید دمکراسی، امکانات طبقه کارگر را افزایش خواهد داد. ولی اگر همین دمکراسی بخواهد بهانه ای برای مقابله با خواستهای بحق طبقه کارگر برزیل شود، ایجاد ثبات سیاسی در کشور بسیار دشوار خواهد شد.

ایران، راه اهرم مبارزان پیشرو ضد استثمار و ضد استعمار، راه تحول بنیادی جامعه کهنه و سازندگی جامعه نو، راه خلاق، علم و عمل است. راه آزانی راهیست آینده ساز و نام او نامی است جاویدان.



کمک مالی به حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است!

NAMEH
MARDOM

NO: 35

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

JAN. 31, 1985

برزیل بزرگ ترین و پر جمعیت ترین کشور آمریکای جنوبی پس از بیست و یکسال تحمل دیکتاتوری نظامی بالاخره با انتخاب یک رییس جمهور غیر نظامی نخستین گام را در راه دمکراتیزاسیون برداشت. پس از آرژانتین، بلیوی و اروگوئه، این چهارمین کشور آمریکای جنوبی است که خود را از یوغ ژنرال های دیکتاتور وابسته به ایالات متحده آمریکا خلاص می کند. تنها رژیم های فاشیستی پینوشه در شیلی و استروسنر در پاراگوئه باقی مانده اند که حتی در ایالات متحده هم دیگر امیدی به آنها ندارند. با اینهمه باید گفت که مسئله دمکراتیزاسیون و مبارزه در راه استقلال ملی و غلبه بر تسلط امپریالیستهای آمریکایی در آمریکای لاتین بسیار بغرنجتر از آنست که تنها برقرار شدن دمکراسی های پارلمانی بتواند آنرا حل کند.

بازترین حاصل این وابستگی، بهنگام چنگ اخیر آرژانتین و انگلستان بر سر مالکیت جزایر مالویناس مشاهده شد که بر اثر فشار نظامی و اقتصادی بسیاری از کشورهای امپریالیستی عضو ناتو و وابستگی شدید مالی و نظامی آرژانتین به این کشورها، خلق آرژانتین علیه غم دادن قربانیهای فراوان مجبور شد تن به شکست بدهد. ژنرالهای وابسته به آمریکا هنگامیکه به کمک "سیا" و پنتاگون به حکومت می رسند بیکار نمی نشینند. سرکوب آزادی های سیاسی و اجتماعی تنها بخشی از وظایفشان را تشکیل می دهد. بخش دیگر وظایف آنها تسهیل نفوذ بازم بیشتر مالی و اقتصادی امپریالیست ها در این کشورهاست. بطوریکه هر یک از این دیکتاتوری های فاشیستی، بهنگام برکنار شدن آنچنان میراث وحشتناکی را بجای می گذارد که به دشواری میتوان از زیر بار سنگین آنها رهایی یافت.

بعنوان مثال برزیل را در نظر بگیریم. امروزه این کشور بزرگ آمریکای لاتین وارث ۱۰۴ میلیارد دلار بدهی خارجی است که بخش عمده آن ها تعلق به بانکهای آمریکایی دارد. تا نکرده و نه ویش رییس جمهور منتخب برزیل خود می گوید "هرج و مرج به

دکتر تقی ارانی: فرزانه...

بقیه از صفحه ۳

اینرو خاری تحمل ناپذیر در چشم رژیم شد. سرانجام در ۱۴ بهمن ۱۳۱۸ چراغ پر فروغ زندگی دکتر ارانی، این فرزانه بزرگ خاورزمین، در سن ۲۸ سالگی بدست دژخیمان رضاخانی خاموش شد. امادیری نپایید که از بذرهای طلایی ارانی کشت گاهی پرحاصل و بارآور پدید آمد. پس از شکستن یخ استبداد و باز شدن در زندان ها، همزمان ارانی به یاری دیگر پیکارگران راه آزادی و استقلال و پیشرفت اجتماعی درفش خونین او را به دوش گرفتند و حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران را بنیاد گذارند.

راه ارانی، راه حزب او، راه طبقه کارگر

نوطه جدید

علیه حزب توده ایران

سردمداران ج.ا. هر روز خواب تازه ای برای توده ایها می بینند. پس از خنثی شدن توطئه ها و پرونده سازیهای بی اساس علیه کادرهای رهبری حزب توده ایران، اینک "دادستان انقلاب اسلامی لرستان ادعا می کند که گویا" عوامل" حزب توده در مسیر خرم آباد - تهران "قصد هواپیمای ربایی داشتند".

مقام یاد شده در توجیه این مسئله واهی که زاییده تخیل بیمارگونه جنایتکاران مافیایی است، می گوید: "ماموران شهربانی و امت حزب الله... با زیر نظر داشتن یک فرد معتاد متوجه حرکات غیرعادی و پای کچ گرفته وی می شوند که پس از بازداشت، نامبرده اعتراف کرده است، وی و دو تن دیگر قصد ربودن یک هواپیمای مسافربری مسیر خرم آباد را دارند و وی قصد داشته کلت کمتری را در پای خود جاسازی کند. پس از بازرسی از منازل هواپیماربانان که در مراحل بازجویی خود را از عوامل حزب... توده معرفی کرده اند، علاوه بر یک قبضه کلت کمتری و وسائل کچ پیچی و عصا که قصد داشتند در امور هواپیماربانی به کار ببرند، ۲ قبضه سلاح غیرمجاز و مقادیری وسائل شکسته بندی کشف شده است".

این خبر ساختگی، به اندازه کافی گویا هست و نیازی به تفسیر ندارد. پرونده سازان ضد توده ای که توان برخورد منطقی و ایدئولوژیکی با حزب ما را در عرصه مبارزه اجتماعی نداشته، ندارند و از این پس نیز نخواهند داشت، این بار برای دسیسه پردازی علیه حزب ما و ایجاد جو، اشخاصی را دستگیر کرده اند و تحت هر شرایطی آنها را وادار کرده اند خود را منتسب به حزب توده ایران معرفی کرده و به "هواپیماربانی"، "اعتراف" کنند.

نکته جالب این که وقتی تیتر بزرگ خبر را در صفحات اول و سوم روزنامه "اطلاعات" می خوانیم، به نظر می رسد که عده ای در حین ارتکاب عمل هواپیماربانی دستگیر شده اند، اما با اندکی دقت در متن خبر، درمی یابیم که مسئله ای بنام "هواپیماربانی" وجود خارجی نداشته و همانطور که اشاره شد پرونده سازان و ضد توده ایهای حرفه ای که از هر جهت تیرشان به سنگ خورده، اینبار ترفند احماقانه دیگری را علیه حزب ما بکار بسته اند.

همه می دانند که حزب توده ایران، در دوران فعالیت انقلابی خود هرگز به چنین شیوه هایی از "مبارزه" اعتقاد نداشته و ندارد. حزب ما همواره بر اساس یک خط مشی سیاسی مشخص و معلوم، برخاسته از جهان بینی دوران ساز مارکسیسم - لنینیسم مبارزه کرده و به مبارزه خود ادامه خواهد داد. حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر کشور، علیه همه دشواریها، دسیسه چینیها و پرونده سازیهای دشمنان خلق، به راه پرافتخار خود در مبارزه با امپریالیسم جهانی، دستیابی به آزادیهای دمکراتیک، سازماندهی و احقاق حقوق زحمتکشان کشور بی وقفه ادامه خواهد داد.